

آموزش دریایی دیجیتال می‌شود



روش‌های آموزشی دیجیتال بسا مجموعه‌ای از کشتی‌های مجازی، به دریانوردان اجازه می‌دهد بدون اینکه حتی با روی کشتی بگذارند، با یادگیری تغییرات سریع فناوری، به شایستگی عملیات واقعی دریانوردی دست یابند.

به گزارش اقتصادسرآمد از پورت تکنولوژی؛ مؤسسه طبقه‌بندی ABS برای خرید پلتفرم آموزشی و شبیه‌سازی با عنوان MetaSHIP اقدام کرده است. این اقدام، گام بزرگی به سوی یادگیری دیجیتال فراگیر است، زیرا صنعت دریانوردی به دنبال پُر کردن شکاف مهارتی ایجاد شده توسط تغییرات سریع فناوری است.

بر اساس گزارش مانا، سیستم MetaSHIP با مجموعه‌ای از کشتی‌های مجازی به دریانوردان اجازه می‌دهد بدون اینکه حتی با روی کشتی بگذارند، شایستگی عملیاتی واقعی را کسب کنند.

ABS قصد دارد این فناوری را در شبکه مراکز آموزشی خود در قطر، یونان و سنگاپور و همچنین از طریق برنامه‌های از راه دور و حضوری گسترش دهد.

کریستوفر ویرنیکس، مدیرعامل ABS اظهار داشت: «این یک الزام استراتژیک برای ایمنی و انعطاف‌پذیری ناوگان است. نیروی کار دریایی باید برای مدیریت سیستم‌های ترکیبی، استانداردهای ایمنی در حال تحول و مقررات در حال تغییر آماده باشد. سرمایه‌گذار در آموزش پیشرفته که شایستگی واقعی را به جای حداقل استاندارد ارائه می‌دهد، اجباری است.»

لونت سنن، بنیانگذار MetaSHIP، نیز گفت: «این پروژه به عنوان تلاشی برای دسترسی بیشتر به آموزش دریایی آغاز شد. اینکه ایسن پروژه به فناوری تبدیل شده است که هم‌اکنون توسط ABS به دریانوردان در سراسر جهان قدرت می‌بخشد، ارزشمند است.»

MetaSHIP شبیه‌سازی‌های تعاملی کشتی و بندر را با ابزارهای ارزیابی که عملکرد را نظارت و ارزیابی می‌کنند، ترکیب می‌کند. این روش دیجیتالی شامل پلتفرمی است که پیشرفت و گزارش‌دهی آموزش را پیگیری می‌کند و تحت نسام ODENES همراه با یک مازول ارزیابی مهارت ناوبری و رفتاری است که برای اندازه‌گیری و بهبود عملکرد عملیاتی استفاده می‌شود.

بر اساس این گزارش، این شیوه آموزشی که شامل مالکیت معنوی MetaSHIP، دارایی‌های شبیه‌ساز مرتبط است، منوط به تأیید نظارتی در ترکیه است. در پایان این گزارش آمده است، این اقدام بخشی از گسترش راهکارهای آموزشی ABS خواهد بود که به این مؤسسه پایگاه و وسیع‌تری برای ارائه آموزش دریانوردان نسل بعدی در سراسر جهان می‌دهد.



سند یا شبه‌سند دریایی؟!

نقد مهم و اساسی که به طرح دانشگاه هرمزگان به درستی وارد شد و دکتر غربالی روی آن انگشت گذاشت، این است که «به‌طور کلی، برای هر موضوع مهم و اساسی در سطح ملی، همواره فقط و فقط یک سند عالی وجود دارد و دیگر نیازی به سندهای دوم و سوم نیست.» این قاعده‌ای است که در سراسر جهان وجود داشته و دارد و شما موردی نمی‌توانید پیدا کنید که در یک کشور پیشرفته برای یک موضوع دو یا چند سند وجود داشته باشد. منطقی است که یک سند عالی و بالادستی وجود داشته باشد و باقی نوشتارها و پژوهش‌ها در چارچوب آن و در امتداد آن باشند، نه در عرض آن.

اکنون با وجود سند بالادستی توسعه دریایی ابلاغی نظام، طرح سندهای دیگر معنا و مفهومی ندارد. کمااینکه ارتباط این طرح دانشگاه هرمزگان با سند اصلی تقریباً قطعی بوده و این به معنای هم عرضی دوسند موازی است که نه‌تنها کاری پیش نمی‌برد، بلکه چالش‌های جدید و موانع جدید ایجاد می‌کند. از این رو، نمی‌توان سند دوم را به عنوان سند پذیرفت و می‌توان عناوین دیگری بر آن نهاد. مثلاً شبه‌سند، طرح، توصیه یا...

شورای عالی انقلاب فرهنگی

در جست‌وجوی ماجرا، متوجه می‌شویم که این کار پژوهشی به نوعی به دستور دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی شروع و انجام شده است که این مسئله هم باعث حیرت اهالی شد. باورکردنی نیست که دبیر شورای عالی با آن همه طمطراق، متوجه نباشد که سند عالی دریایی ابلاغ شده است و بخواد که سند دیگری در کنار آن تدوین شود. انبوهی از هر زینه ریالی و زمانی صرف مکتوبی شده است که اصلاً اساساً نیازی به آن نیست و حتی وجود آن به عنوان یک مانع چالشی، سر حرف را باز می‌کند و جلوی دست را می‌گیرد.

عذری بدتر از گناه!

نماینده دانشگاه هرمزگان در پتل بنادر و دریانوردی گفت: با سفر دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی به هرمزگان، این بحث مطرح شد و آقای خسروبناه گفته‌اند که چنین طرحی خوب است و همین باعث شده که دانشگاه به آن ورود کند! ضمن اینکه دانشگاه این کار را پروژه‌ای نپذیرفته، بلکه به صورت دلی و علاقه و انگیزه خود انجام داده است. این دفاعیه همان عذر بدتر از گناه است، زیرا دو اشکال عمده دارد:

یکی اینکه شروع یک چیزی به عنوان «سند ملی» نمی‌تواند آنقدر بی‌ریشه باشد که فقط براساس یک اظهارنظر دفعی از یک مسئول رده دوم و سسومی، یکباره کلید بخورد. قارچ که نیست!اگر در پیشینه ذکر می‌شد که این سند(بخواند شبه‌سند) طی فلان فرایند علمی-پژوهشی و فلان نیازسنجی تبیین شده و شکل یافته است، از یک دانشگاه پذیرفتنی بود؛ اما وقتی دانشگاه هم مانند ادارات دیگر و استادان ارجمند ما نیز مثل کارمندهای سربرجی فکر و عمل کنند، پس دیگر امیدی به فردا باقی نمی‌ماند.

دوم اینکه یک دانشگاه در هر سطحی باید حرف‌های عمل کند. حرف‌های عمل کردن دو معنا دارد: اول باید یک موضوع را با سنجش و روش‌های علمی پذیرفت و اجرا کرد و دیگر اینکه به قواعد حرف‌های عمل کرد و برای اجرای آن کار یک قرارداد دقیق هم داشت. اینکه دانشگاه هرمزگان از هر دو جهت منفعل بوده، جای تأسف است.

نکته جالبی از دل ایسن ماجرا بیرون می‌زند که خوب است بگوییم تا نماینده محترم دانشگاه هرمزگان دست از منت‌گذاری بردارد؛ اینکه این کار را پروژه نکرده‌اید و پولی مستقیم در قبال آن دریافت نکرده‌اید، به آن معنا نیست که دستان توی جیب مردم نبوده است. چه قرارداد می‌بستید و پولی از شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌گرفتید و چه قراردادی نیستید و به قول خودتان دلی عمل کرده‌اید، در هر دو صورت، دست شما توی جیب مردم است؛ زیرا شما و دیگر کسانی که روی این موضوع کار کرده‌اند، بی‌تردید حقوق و حسق ماموریت‌های خود را دریافت کرده‌اند. حالا این دریافتی چه از سنوی شورای عالی انقلاب فرهنگی باشد و چه از سوی دانشگاه هرمزگان، هر دو برداشت مستقیم از مالیات و بودجه دولتی و جیب مردم است. بنابراین، اینکه شما پروژه‌ای عمل کردید و پولی از شورای عالی گرفته یا نگرفته‌اید، هرگز منتی بر دیگران یا حسنیتی برای کار شما نیست. این موضوع نیز هیچ منعی برای یک نقد منصفانه و علمی هم نیست.

به هر روی، دانشگاه هرمزگان از نظر ما دانشگاهی محکم و استخوان‌دار است و استادان آن دانشگاه، هیچ کاستی‌ای از هیچ دانشگاهی در ایران ندارند و کمالینکه در مواردی یک سر و گردن هم بالاتر هستند و هر پروژه علمی آن‌ها همانند دیگر پروژه‌ها از سوی هر دانشگاه دیگر «با منطق علم و استدلال» قابل نقد منصفانه است. قبول؟

در این گیرودار که دوست جدا و بیگانه جدا می‌شکند، این بار حیرت و تعجب از شورای عالی انقلاب فرهنگی را کجا باید برد. اغلب شرکت‌کنندگان در سمینار با این سوال افسوس می‌خوردند که «مگر شورای عالی انقلاب فرهنگی نمی‌دانست سند بالادستی وجود دارد و ابلاغ شده است؟ پس چرا زمینه صرف هزینه و زمان جمعی از نخبگان کشور را برای این کار تکراری و موازی حرام کرده است؟». این سوال بی‌پاسخ است. هر چند که معاون عبدالحی زاده در آخرین دقیق سمینار تلاش کرد این مسئله را سرپوش بگذارد و آن را توجیه کند، اما نتوانست و کسی از حاضران اغناع نشد، ولی حسب قوانین

جستاری در زشت‌وزیبای یک شبه‌سند دریایی، «سرآمد» بررسی می‌کند

«سند» پشت سند دریایی!

در سمینار بررسی پیش نویس سند جامع توسعه دریایی کشور چه گذشت؟

اوج این نقد جانبدارانه زمانی بود که معاون عبدالحی زاده به جمع‌بندی نهایی!نتایج حاصله از همه پتل‌ها پرداخت. با نهایت حیرت که با سکوت همراه با لبخند حاضران بود، بعد از گزارش پتل‌های تخصصی چهارگانه، وی به جای جمع‌بندی شروع کرد اول از شورای عالی انقلاب فرهنگی دفاع کردن مبنی بر اینکه چون این شورا چنین است و چنان، پس می‌تواند دستور بدهد که سند بنویسند! و نتوانست بگوید: وقتی سند داریم، دستور سند جدید و موازی به چه معناست. حاضران هم به‌مثابه «نگاه عاقل اندر سفیه» نشستند و نگرিসند و چای خوردند و رفتند! ولی هنگام خداحافظی با همدیگر، یواشکی لبخندشان را به نیشخند تبدیل کردند و با تیکه‌های برآمده از ادبیات ناب حکیم ذاکانی، پیام وارسته خود را رساندند.

نقد مغرضانه: انصاف این است که بنویسم «نقد مغرضانه»

ندیدم و نشنیدم. نقد منصفانه: در نقد منصفانه، نقدی که توام با دلیل و استدلال علمی و عقلی بود؛ به وفور از کارشناسان و نخبگان آزادمنش شنیده شد. یک دلیل بزرگ برای صحت این نقدها این است که تقریباً بیش از ۹۵درصد نتایج پتل‌های تخصصی چهارگانه که مستقل از یکدیگر برگزار شدند، به یک سری نتایج مشابه به هم رسیدند که خالص آن نظر‌ها این بود که «گذشته از ایرادهای متعدد ساختاری و محتوایی، این سند دوم نیاز نیست و نباید به عنوان سند مطرح شود.» در جمع‌بندی، به همان ترجمه اداری که بیشتر شبیه «تعارفات قجری» و به‌زعم استاد زرین‌کوب، «ثان به هم قرض دادن است» این نتیجه روشن و قطعی، به زبان دیگری بیان شد و «ماست‌مالی» لازم صورت گرفت و نگارنده با آوردن شواهد و قرائن و بیان زشت و زیبای آنچه دید و شنید، خیال می‌کند که نقد منصفانه‌ای بر این ماجرای «علمی-اداری» نوشته است. البته کمی با ما به طنز. چرا؟ چون ادبیات طنز هم اثر بیشتری دارد و هم فریاد بلندتری است تا بگوید: سند پشت سند و شام و ناهار هیچ!اسناد آنقدر زیادند که باید با فرغون این طرف و آن طرف برد؛ اما دریسغ از یک جو عمل. ما نیاز به سندسازی جدید نداریم. نیاز به یک جو همت داریم که یک بند از سند اصلی را اجرایی کند؛ باقی پیشکش.

نتیجه سمینار بررسی سند توسعه دریایی ایران: نتیجه را یکسک کلمه می‌توانم خلاصه کنم: «هیچ». یک جمع



همیشگی اداری دورهمی‌ای برگزار کردند و چای نوشیدند و کباب زدند به بدن و حقوق آن روزشان را گرفتند و رفتند. اینکه چرا برای این موضوع سمینار برگزار کرده‌اند را نفهمیدم. اینکه چرا این نوشتار را در اختیار چهار پنج‌استاد خبره از رشه‌های مرتبط- به‌خصوص مدیریت استراتژیک- قرار نداده‌اند تا نقد علمی صورت بگیرد، را همم نفهمیدم. اینکه با این گردهمایی عمومی که اغلب به دلیل منطقی اداری، قسار به بیان صریح دیدگاه خود نیستند، بخواند یک سند یا شبه‌سند را بررسی دقیق کنند، را هم نفهمیدم!

آینده این سند یا شبه‌سند چه می‌شود؟ باز هم من نفهمیدم چه می‌شود یا قرار است چه شود. در جمع‌بندی که باید ترکیبی از نقطه‌نظرات پتل‌ها و بیان نتیجه نهایی و آینده‌نگری در کار باشد، چیزی شنیده نشد جز اینکه طرف به دلیل جایگاه سازمانی که دارد و با این منطق که باید صندلسی‌اش را حفظ کند که به سرنوشت مدیرکل اردبیلی دچار نشود، مجبوری است به جای منطق علمی، ماله اداری مدی بگیرد. اگر بخش خصوصی بود و آن کسی که کار را تأیید اجباری این و آن نبود، بدون تردید، این شبه‌سند مخومه اعلام می‌شد و پدیدآورندگان آن مورد نکوهش هم قرار می‌گرفتند. زیرا هرزبه ریال و زمان و اعتبار برای بخش خصوصی مهم است، اما امان از زمانی که میزبانی با جیب مهمان باشد!

رسانه در اختیار دانشگاه هرمزگان

ما در روزنامه دریایی اقتصادسرآمد مسئله را پایان یافته نمی‌دانیم. خوب است که تضارب اندیشه بیشتری صورت بگیرد. اینکه می‌گویند دانشگاه هرمزگان این کار را به صورت افتخاری و با هزینه شخصی استادان خود انجام داده است، باورش سخت است؛ اما غیرممکن نیست. به هر روی، اگر قصد دانشگاه هرمزگان از برگزاری سمینار، آن‌گونه که دکتر ظهیری می‌گوید: «هم‌اندیشی و دریافت پیشنهادت» بوده است، این نکته می‌تواند با استفاده از رسانه‌های دریایی کشور، ادامه یابد. در این رابطه، روزنامه دریایی اقتصاد سرآمد هم به‌طور افتخاری خود را در اختیار دانشگاه هرمزگان قرار می‌دهد تا بدین وسیله با اهالی دریا و نخبگان مرتبط با سند، گفت‌وگو و تضارب اندیشه داشته باشد. چیزی که همه ما می‌خواهیم، «توسعه دریایی ایران» است. حال هر کدام به روشی و با لحنی آن را مطالبه می‌کنیم. نقد به معنای رویارویی نیست، بلکه به معنای تلاش مضاعف برای شدن است. دریایی شدن، آمال و آرزوی همه ماست.



فریبا عزیزی - اقتصاد سرآمد